

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۴/۳۰

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۲۹

## جای نام: مکان ناملموس خاطره (تبیین رویکردی کل نگر به خوانش نام آثار معماری تاریخی در حفاظت معماری نظر به مقایسه تحلیلی کاراکتر نام و مکان)\*

مینا راداحمدی\*\* فرهنگ مظفر\*\*\*

### چکیده

شناخت میراث معماری و جنبه‌های گوناگون آن، همواره مورد تأکید نهادهای بین‌المللی مرمت بوده است. در دهه‌های اخیر، به‌رغم تلقی جای‌نام‌ها به‌مثابه بخشی از تاریخ زنده و میراث فرهنگی، این نام‌ها هم‌چنان در معرض تغییرات شتاب‌زده بوده‌اند. در منابع و مطالعات حفاظت معماری نیز بررسی سیر تحول نام آثار، رویکرد توصیفی تاریخی-جغرافیایی داشته و با غفلت از کاراکتر جای‌نام، عمدتاً بدون رویکردی حفاظتی-مرمتی یا بدون توجه به پویایی و اهمیت فرهنگی آنها صورت گرفته است. از آنجا که تغییر و تحول نام هر اثر معماری می‌تواند حاکی از تغییری در کلیت آن اثر تلقی شود، این تحقیق در نظر دارد ضرورت توجه به نام آثار معماری از این بعد را روشن سازد و رویکردی نظری به جای‌نام‌ها در نسبت با ارزش‌های یک مکان تاریخی تبیین کند. به‌منظور دستیابی به این هدف، این پرسش مطرح می‌شود که کاراکتر نام چه مشابهتی با کاراکتر مکان دارد و این دو چه نسبتی با خاطره، یعنی زمینه مشترک همه موضوعات تاریخی دارند؟ در این راستا، علاوه بر بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای حفاظتی، توپونیمی و پدیدارشناختی مکان، در تحلیل استنتاجی مصادیق عینی برای یافتن زمینه مشترک، بررسی کاراکتر و نسبت نام و مکان، ضروری می‌نماید. در نهایت، نتایج این تحقیق شامل زمینه‌های تعامل و تقابل صورت و معنای نام از منظر رویکرد توصیفی-تاریخی کنونی با رویکرد کل‌نگر پیشنهادی است که طی چند محور کلیدی در قالبی تطبیقی ارائه می‌شود و می‌توان آن را نگرشی نو به جای‌نام‌ها برای بازشناسی نام مکان‌های تاریخی در نظر گرفت. در این پارادایم، جای‌نام‌ها به‌مثابه صور ناملموس «مکان‌های دارای اهمیت فرهنگی» و نه صرفاً وجهی تاریخی-زبان‌شناختی برای نامیدن آثار درک می‌شود و علاوه بر دلالت بر ارزش‌های فرهنگی که در نسبت با اثر و شرایط دیگر از آنها برخوردار شده، خود مکان (ناملموس) خاطره مکان است. در ارتباط با مواجهه با موضوع تغییر جای‌نام‌ها نیز، توجه به جایگاه جای‌نام در کلیت اثر و پویایی نسبت آن با مکان، مورد تأکید قرار گرفته است.

### کلیدواژه‌ها: جای نام، مکان خاطره، آثار معماری تاریخی، حفاظت معماری

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری مینا راداحمدی با عنوان «آداب قرائت معماری در حفظ آثار تاریخی ایران» به‌راهنمایی دکتر مهدی حجّت و دکتر فرهنگ مظفر در دانشگاه هنر اصفهان می‌باشد.

\*\* دانشجوی دکترا، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان.

\*\*\* دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.

radahmadi@gmail.com

m.mozaffar@aui.ac.ir

## مقدمه

از منظر حفاظت معماری، به‌عنوان هنری برای کنترل تغییرات، همواره به‌طریق گوناگون با مسأله تغییر موراث فرهنگی و جنبه‌های گوناگون آنها مواجه هستیم (Earl & Saint, 2015: 94). با بررسی شکل تغییرات عارض بر آثار معماری تاریخی، به نمونه‌های فراوانی بر می‌خوریم که علاوه بر شیئیت آثار معماری و مکان‌های تاریخی و شرایط پیرامون آنها، صورت نام آنها نیز در معرض تغییر بوده است. به‌ویژه در سده جاری، طی روند سریع تحولات فرهنگی-سیاسی-تاریخی کشور و بالطبع تغییرات شهری، هم‌زمان شاهد تغییرات بزرگ و بعضاً شتاب‌زده نام مکان‌های تاریخی و اسامی جغرافیایی بوده‌ایم (بیات، ۱۳۷۰: ۱۷۳). با این‌که در شناخت آثار معماری و به‌ویژه مکان‌های تاریخی، عمدتاً «وجه تسمیه» این آثار مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما چنین بررسی‌های جای نام‌شناختی معمولاً از منظر جغرافیای تاریخی و آن هم به‌مثابه یکی از وجوه عملکردی-تاریخی مکان‌های تاریخی، به جای نام‌ها نزدیک می‌شوند و فاقد رویکرد نظری-فلسفی یا نگاهی مرمتی-حفاظتی به نام آنها هستند (رفاهی علمداری، ۱۳۹۳: ۲۸-۲۲).

به‌رغم اهمیت ویژه جای نام‌ها در منابع و ادبیات مرمت و معماری، شاهد نوعی فقدان رویکرد نظری در زمینه شناخت و مواجهه با آنها هستیم. بر این اساس، این تحقیق در نظر دارد رویکرد فعلی ادبیات حفاظتی به جای نام‌ها را مورد نقد و بررسی قرار دهد و زمینه نظری نوینی برای مواجهه با جای نام‌ها از منظر حفاظت معماری تبیین نماید. چنان‌چه ملاحظه خواهد شد، این زمینه در ارتباط با دو مبحث مهم حفاظتی-مرمتی یعنی اهمیت فرهنگی و تغییرپذیری در ارتباط است و انجام چنین تحقیقی به‌ویژه در مواجهه با مقوله تغییرپذیری و تکوین اهمیت فرهنگی جای نام‌ها، ضروری است.

در راستای دست‌یابی به هدف تحقیق، دو نوع پرسش مطرح می‌شود؛ پرسش‌های اولیه، متوجه ضرورت نگرش حفاظتی-مرمتی به جای نام و ارزش‌های آن در ارتباط با مکان‌های تاریخی بر طبق تعریف منشورهای بین‌المللی مرمت است و پرسش‌های ثانوی، ما را به‌سوی جستجو و مقایسه ویژگی‌های نام و مکان و چگونگی بازشناسی جای نام به‌شکلی فراتر از صورتی لفظی و ثانوی نسبت به اثر معماری بلکه به‌مثابه بخشی از کلیت آن هدایت خواهد کرد. به این ترتیب، پرسش‌های تحقیق عبارتند از:

ضرورت نگرش حفاظتی-مرمتی به جای نام چیست؟  
 منظور از خاطره مکان چیست و کاراکتر نام و مکان چه نسبتی با خاطره دارند؟

در مواجهه با یک اثر معماری، چگونه می‌توان جایگاه

جای نام را از وجهی ثانوی نسبت به اثر ارتقا بخشید؟  
 در راستای پاسخ به این پرسش‌ها، با تحلیل استنتاجی و استخراج مفاهیم پایه از مصداق‌های عینی، ضمن بهره‌گیری از متون پدیدارشناسی مکان، با رویکردی کل‌نگر<sup>۱</sup> سعی در تبیین زمینه نظری نو برای خوانش مواجهه با جای نام‌ها خواهیم داشت. در ساختار این تحقیق، مواردی که در ادبیات و پیشینه تحقیق مطرح می‌شوند، در راستای پاسخ به پرسش‌های اولیه، به بررسی چستی جای نام‌ها و آسیب‌شناسی مطالعات جای نام‌شناختی پرداخته و زمینه‌ای برای روشن شدن شایستگی نام آثار تاریخی برای برخورداری از رویکردی حفاظتی-مرمتی فراهم می‌کنند. به این ترتیب، در راستای روشن شدن این مطلب که چرا نام آثار تاریخی در ابتدا می‌تواند بستری برای ظهور و حمل اهمیت یا ارزش‌های فرهنگی و در نتیجه شایسته حفظ در نظر گرفته شود و با توجه به تغییرپذیری این ارزش‌ها چه ظرایفی باید مورد توجه یک مرمتگر باشد، انجام این تحقیق اهمیت دارد. به این منظور، بررسی کاراکتر نام و مکان در ارتباط با زندگی انسانی، رخدادها و معانی نسبت‌یافته به جای نام‌ها، ضرورت دارد. در نهایت، تلاش خواهد شد در قالبی تطبیقی با نقد رویکرد کنونی به جای نام‌ها، زمینه‌ای نو برای خوانش جای نام ایجاد شود که با مبانی مرمت، تجانس بیشتری داشته باشد.

## ادبیات و پیشینه تحقیق

### تعاریف

با توجه به آن‌که در منابع اختصاصی مرمت و معماری، تضادهایی در کاربرد کلیدواژه‌های این تحقیق وجود دارند، برای روشن شدن فحوای این واژه‌ها در ابتدا تعریفی از آنها ارائه می‌شود:

جا، مکان<sup>۲</sup>: «مکان» در اصل واژه‌ای عربی، صیغه اسم ظرف مشتق از «کون» (به‌معنی «بودن») است و به‌معنای موضع و محل بودن هر چیزی است؛ با این وجود در معنای مطلق «جا»<sup>۳</sup> کاربرد یافته که علاوه بر مکان و موضع، به مقام و محل اشاره دارد (برهان، ۱۳۴۲: ۵۵۱؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۳: ۲۱۳۷۹؛ معین، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۱۷ و ج ۲: ۱۸۰۲). از منظر ادبیات مرمت، مکان، «کلیه محوطه‌ها، مناطق و مناظر فرهنگی و مجموعه بناها و دیگر آثار است و می‌تواند شامل محتوا، اجزای شاکله و فضاها و چشم‌اندازها باشد» (ICOMOS, 2000: 2).

نام، جای نام<sup>۴</sup>: نام یا اسم، یکی از انواع واژه و از اجزای سخن است که هر چیزی را به‌کمک آن معین می‌کنند و

به صورت تخیلی و غیرعلمی» محدود بود (رفاهی علمداری، ۱۳۹۳: ۲۸). امروزه نیز شناخت نام هر چه در ارتباط با عوارض زمین است (چه طبیعی و چه ساخته دست بشر)، تحت دانش نوین توپونیمی<sup>۱۱</sup> (در اصطلاح، علم شناخت نام عوارض زمین) یا وجه تسمیه علمی قرار دارد (همان: ۲۰). به این ترتیب، بررسی نام آثار معماری یا مکان‌های تاریخی در محدوده این دانش قرار دارد.

این نام‌ها، دال بر چگونگی پدیداری جاها هستند و شناخت آنها موجب روشن شدن علل و واقعیات فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی تخصیص نام‌ها و تاریخچه آنها می‌شود (ذکاء، ۱۳۵۶: ۳۸۲-۲۷۷). به منظور شناخت عمیق و دقیق یک جای نام در مطالعات تاریخ جغرافیای طبیعی و منابع جای نام‌شناختی، با توجه به حساسیت و اهمیت نام‌های تاریخی، دلایل تغییر و تحول آنها در فرآیندی شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرند که معمولاً به منطقه وسیع تری به بزرگی حکومت، کشور یا منطقه فرهنگی-تاریخی مربوط به آن، یعنی فراتر از محدوده امروزی آن مربوط می‌شود (ناتل خانلری، ۱۳۶۵: ۱۰۶-۹۵؛ Tent & Blair, 2011: 69-70). بنابراین با توجه به آن که جای نام‌ها در گذشته‌های دور توسط مردمان نواحی مختلف وضع شده‌اند و در هماهنگی با تحول و تداوم جوامع تغییر یافته‌اند؛ لذا به لحاظ «میراث‌داری تاریخی محلی، منطقه‌ای، ملی، فراملی و بین‌المللی و فراروی آینده مکان‌های جغرافیایی در نقش جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنها»، بسیار مهم و تغییر آنها نیز حساس تلقی می‌شود (باستانی راد و مردوخ، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۲).

تلقى نام‌های جغرافیایی به مثابه میراث فرهنگی و بخشی از تاریخ زنده (خیراندیش، ۱۳۸۲)، نشان‌دهنده توجه روزافزون به جای نام‌ها به مثابه میراث فرهنگ بشری در سال‌های اخیر است (Brozović, 2008; Helleland, 2011; Lenzerini, 2011). هم‌چنین در تعاریف جهانی ادبیات حفاظت، جای نام‌های معماری به مثابه بخشی از میراث ناملموس یا وجه غیر کالبدی-زبان‌شناختی آنها در نظر گرفته می‌شوند (UNESCO, 2003). در همین ارتباط، بررسی نظری ارزش‌های فرهنگی نهفته در اصطلاحات معماری یا تلقی «میراث زبانی» به مثابه میراث فرهنگی ناملموس در زمینه وجوه فراکالبدی آثار ملموس، نیز گویای نوعی تغییر تدریجی در پارادایم شناختی نام‌های تاریخی و از جمله جای نام‌ها در ایران است (اولیاء، ۱۳۸۱؛ ابویی و دیگران، ۱۳۹۵). چنین مطالعاتی اگر چه اندک با اشاره‌ای ضمنی، پیش‌درآمد تغییر در شکل توجه به نام‌ها از مطالعاتی صرفاً توصیفی-تاریخی به رویکردهایی با محتوای فرهنگی-ارزشی خواهد بود و

به آن می‌خوانند. نام، هم‌چنین به معنای صورت ظاهری و شهرت، یاد و ذکر هر چیزی نیز به کار برده می‌شود (قریب و دیگران، ۱۳۶۳: ۲۰؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۲۲۳۷ و ۳۸ ۲۲۲؛ معین، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۹۰۴؛ عمید، ۱۳۸۹: ۱۲۸ و ۱۰۰۹). واژه «جای نام»، مرکب از دو سرواژه پهلوی «جا» و «نام» اضافهٔ مقلوب از ترکیب «نام جای»<sup>۱۲</sup> است (MacKenzie, 1971). جای نام یا اسم مکان، یکی از انواع نام‌واژه‌ها است که در گذر زمان برای نامیدن مکان‌ها ایجاد شده است و بر محل دلالت می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۷۴۶۲؛ Merriam-Webster inc). به خاطر تنوع جغرافیایی و پیشینه تاریخی سرزمین‌ها، انواع گوناگونی از جای نام‌ها را بر می‌شمارند؛ برای مثال، انواع عوارض جغرافیایی طبیعی و مصنوعی، جای نام هستند (احدیان و بختیاری، ۱۳۸۹: ۱۸۱). خاطره<sup>۱۳</sup>، مکان خاطره<sup>۱۴</sup>: خاطره، هم‌معنا با یاد و حافظه است و به چیز، شخص، اندیشه یا رخدادی از گذشته اطلاق می‌گردد که به خاطر آورده می‌شود (معین، ۱۳۸۱: ۵۷۹ و ۶۱۰ و Ba'Albaki, 1995: 446؛ Merriam-Webster, 2013: ۲؛ inc)؛ لذا خاطره یک چیز، مجموعه همه تصورات ذهنی با مرکزیت آن در حافظه فردی یا جمعی است که قابل یادآوری باشد. به هر جهت، این موضوع، یکی از زمینه‌های کلیدی موضوعات با محوریت تاریخ است و بررسی‌های مربوط به آثار معماری تاریخی از مواجهه با این مسأله مستثنا نیستند. اصطلاح «مکان خاطره»، اولین بار در اشاره به هر چیزی که بخشی از خاطر جمعی هر اجتماعی را در خود مکتوم کرده و نگه می‌دارد، به کار رفته و چنین تعریف شده است: «هر واحدیت حائز اهمیتی با سرشت مادی یا غیرمادی که توسط اراده انسانی یا در اثر گذر زمان، به عنصری نمادین در میراث یادمانی جامعه تبدیل شده باشد» (Nora, 1984: 1004)<sup>۱۵</sup>.

### مروری بر پیشینه جای نام‌شناسی در حفاظت معماری

در گرایش‌های وابسته به معماری نظیر حفاظت معماری، بررسی نام آثار معماری و مکان‌های تاریخی؛ یکی از مقدمات شناخت معماری است. در گذشته، به‌ویژه به سبب وابستگی این گرایش‌ها به هر دو زمینه تاریخی و جغرافیایی، بررسی وجه تسمیه مکان‌های تاریخی، بیشتر پیرو رویکرد توصیفی-تاریخی مورد استفاده مطالعات جغرافیایی در زمینه نام‌شناسی<sup>۱۶</sup> بود یا آن که مستقیماً از این منابع<sup>۱۷</sup> بهره می‌جست (هنرفر، ۱۳۵۰؛ رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲؛ پاپلی یزدی، ۱۳۶۷). بنابراین روند شناخت این اسامی جغرافیایی طبق روال روش علمی وقت، به بررسی وجه تسمیه یعنی «توصیف چگونگی پدید آمدن شهرها و روستاها و نام پدیدآورندگان آنها و آن هم گاه

حاکمی از اهمیت خوانش جای نام‌ها در زمینه‌ای حفاظتی-مرمتی است.

### روش تحقیق و روایی آن

در این پژوهش، با رجوع به منابع کتابخانه‌ای حفاظت، توپونیمی و پدیدارشناختی مکان، برای یافتن زمینه مشترک نام و مکان، ابتدا به بررسی کاراکتر و نسبت آن دو پرداخته و نهایتاً در قالب چند محور تحلیلی-تطبیقی کلیدی، از مقایسه تحلیلی رویکرد موجود با رویکرد پیشنهادی به شناخت جای نام‌ها، دیدگاهی کلنگر در زمینه‌ای حفاظتی با توجه به کلیت اثر معماری تاریخی ارائه خواهد شد. روند کار به این شرح است که با تحلیل استنتاجی روند مطالعات جای نام‌شناختی و نمونه‌های موردی، بر عدم تناسب رویکرد مورد استفاده در منابع مطالعات و حفاظت معماری به منظور شناخت اهمیت هستی‌شناختی جای نام‌های معماری، تأکید می‌شود. در راستای دست‌یابی به نگرش جدیدی به شناخت جای نام‌ها، با برداشتی مفهومی از زمینه‌های معرفتی-هستی‌شناختی کهن به «نام‌ها»<sup>۱۲</sup>، مبتنی بر آن که نام‌ها علاوه بر جسمیت معنای ظاهری، از نوعی معنای باطنی برخوردار بوده و محل ظهور این معانی تلقی می‌شده‌اند، تلاش خواهد شد نگرش نو برای مواجهه با جای نام‌های معماری به مثابه نوعی فرم یا صورت غیرمادی<sup>۱۳</sup> از منظر حفاظت معماری فراهم شود. این امر، با بررسی تحلیلی-مقایسه‌ای کاراکتر نام و مکان در ارتباط با مفهوم خاطره، که به نظر می‌رسد وجه مشترک آنها باشد، دنبال خواهد شد.

امکان‌سنجی خوانش جای نام‌ها با رویکردی حفاظتی-مرمتی

از بررسی مطالعات اخیر مربوط به جای نام‌ها در حوزه حفاظت و معماری، چنین به نظر می‌رسد که با عبور از مطالعاتی توصیفی که عمدتاً بدون توجه به تکوین شرایط تأثیرگذار بر تغییر و تحول نام‌ها، به مثابه بخشی از روند شناخت پیشینه تاریخی آثار معماری انجام می‌شد، نگرش حفاظتی جدیدی به جای نام‌ها با توجه به محتوای فرهنگی-ارزشی آنها در حال شکل‌گیری باشد که علاوه بر طبقه‌بندی جای نام‌ها به مثابه وجهی زبانی، تاریخی و فرا کالبدی، نگرشی هم به محتوای فرهنگی-ارزشی خود جای نام‌ها و تغییرات آن داشته باشد. در **جدول (۱)** به اجمال، جمع‌بندی نگرش‌های موجود به جای نام‌ها و نتایج ضمنی رویکردهای اتخاذ شده ارائه می‌شود. مواجهه حفاظتی-مرمتی با آثار، مستلزم شناخت و توجه به جنبه‌های مختلف این آثار و چگونگی تکوین آنها است. در گذر زمان از یک‌سو، آثار معماری و مکان‌های تاریخی به‌طور مداوم در حال تغییر هستند و از سوی دیگر، نام آنها در حال تغییر و تحول است؛ بنابراین برای مواجهه با مقوله تغییر، توجه به جای نام‌ها حداقل به لحاظ تاریخی اهمیت خاصی دارد. هم‌زمان با دگرگونی‌های اجتماعی و افزایش ضریب تغییر، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، نام‌های آثار نیز هم‌چون خود آثار در معرض تغییر بوده‌اند. مصادیق زیادی از این قسم تغییرات را می‌توان در مقیاس‌های مختلفی از تغییر نام یک کوی، خیابان یا میدان یا شهر تا تغییرات بزرگ‌تر و حساس‌تری مانند نام عارضه

جدول ۱. جمع‌بندی روند مطالعات جای نام‌شناختی با توجه به رویکرد اتخاذ شده و نتایج ضمنی آنها

تحلیل نتایج ضمنی رویکرد	توضیح نگرش رویکرد به جای نام‌ها	رویکرد اتخاذی	منابع مورد بررسی	نوع مطالعات انجام شده
اهمیت تاریخی-معناشناختی جای نام‌ها	دال بر آثار و در درجه اهمیت هستی‌شناختی ثانوی نسبت به آنها در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی نام نشانی برای یک مکان ملموس است	رویکرد توصیفی-تاریخی و وجه تسمیه غیرعلمی	مطالعات جغرافیا و زبانشناسی تاریخی	بررسی موردی معناشناختی جای نام‌ها
اهمیت سبکی ارزش زبان شناختی تغییرپذیری و	وجهی زبانی و ساختارمند و قابل طبقه‌بندی است که حاکمی از تنوع شرایط تاریخی-جغرافیایی مربوطه است.	رویکرد زبان‌شناختی با توجه به تکوین	تاریخ شفاهی و زبان‌شناسی	سبک‌شناسی جای نام‌ها با توجه به زمینه‌های فرادست
اهمیت فرهنگی-ارزشی تغییرپذیری مکان‌ها و اهمیت فرهنگی	با توجه به شرایط وضع جای نام‌ها، انسان‌ها دخالت مستقیم بر تکوین آنها داشته‌اند و ممکن است با تغییر شرایط نام دیگری به این محل‌ها اختصاص دهند. بنابراین یکی از وجوه تاریخی-فرهنگی-عملکردی آثار است.	پیش‌درآمد نگرشی حفاظتی به جای نام‌ها با توجه به محتوای فرهنگی-ارزشی آنها	ادبیات حفاظت	بررسی نام‌ها به مثابه وجه فراکالبدی آثار ملموس



اصلی ترین اهمیت فرهنگی جای نام‌ها، در حمل معانی مکتومی است که خود حامل بخشی از خاطرات مربوط به زندگی و رویدادهایی هستند که در این مکان یا در ارتباط با آن به وقوع پیوسته‌اند.

از منظر حفاظت، «اهمیت فرهنگی» به «تمام ارزش‌های زیبایی‌شناختی، تاریخی، علمی، اجتماعی یا معنوی مکتوم در خود مکان، بافت، زمینه و کاربرد آن، یا در نسبت‌ها، معانی، پیشینه و شواهد مربوط به آن و همچنین نهفته در مکان‌ها و اشیای مرتبط با آن» اطلاق شده است و شناخت آن «از راه‌هایی که مردمان گذشته، رویدادها و وجوه مختلف زندگی از طریق مکان با زمان حال نسبت و ارتباط پیدا می‌کنند» میسر می‌شود (ICOMOS, 2000: 1-2). بنابراین وقتی از چنین ارزش‌هایی سخن می‌گوییم که مستقیماً در ارتباط با سیر تاریخی تحول و تداوم آن مکان هستند، از این منظر، شناخت نام مکان‌های تاریخی می‌تواند راهی برای شناخت اهمیت فرهنگی آنها در نظر گرفته شود؛ به این معنا که با رجوع به قلمروهای فرهنگی-جغرافیایی-تاریخی و موضوعی-مفهومی-شناختی وسیع‌تر، در قیاس با شرایط و عواملی که بر تکوین نام‌ها تأثیر مستقیم دارند، امکان شناخت تأثیر زمینه‌های در حال تکوین فراهم می‌شود. در این جا مصداقی از پیچیدگی شناخت تعاملات و نسبت‌یافتگی‌های اهمیت فرهنگی جای نام ذکر می‌شود؛ برای فهم علل نام‌گذاری عمارت شاهی دربار صفوی ایران به «عالی قاپو» (معادل آستانه یا باب عالی در زبان ترکی)، به احتمال زیاد، بررسی علل فرهنگی-مفهومی تأثیرگذار بر نام‌گذاری «باب عالی» قلمرو عثمانی نیز می‌تواند مفید باشد. به عبارت دیگر، ترسیم نوعی نقشه فرهنگی-تاریخی-جغرافیایی برای جای نام، هم‌زمان با درک نسبت‌هایی که با دیگر جای‌نام‌های آن نقشه فرهنگی وجود دارد، امکان آشکار شدن لایه‌های عمیق‌تری از تاریخ مکان و تغییرات قدرت‌های سیاسی-مذهبی-اقتصادی-فرهنگی و یا سایر قدرت‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری معماری و تغییرات مؤثر بر تغییر جای‌نام‌ها را ممکن می‌سازد.

### پیامدهای تغییرپذیری جای نام‌ها از منظر حفاظت معماری

به‌خاطر اهمیت فرهنگی-تاریخی-جغرافیایی و سیاسی جای نام‌ها، تغییر آنها، موضوعی است که نسبت به آن هم‌چنان حساسیت زیادی وجود دارد؛ تا حدی که کادمون می‌نویسد: نوع کاربرد اسامی جغرافیایی مناطق دارای تاریخ سیاسی-مذهبی پرتنش و حساس مانند ایران، ترکیه و پاکستان، گویای تداوم نوعی جنگ فرهنگی-تاریخی-جغرافیایی یا استفاده ابزاری

جغرافیایی-سیاسی بزرگی چون یک کشور ذکر کرد (بیات، ۱۳۷۰: ۱۷۶-۱۷۲).

تا اواخر قرن بیستم، حمایت‌های قانونی از میراث فرهنگی عمدتاً بر وجوه ملموس آثار معماری تمرکز داشت. رفته رفته با گسترش مفهوم میراث فرهنگی، وجوه غیرملموس آثار مورد توجه قرار گرفتند (UNESCO, 2003). در منشور بورا، یکی از منابع مهم مربوط به حفظ مکان‌های دارای اهمیت فرهنگی، حفظ آثار معماری و شهری به مثابه مکان‌های تاریخی و بخشی از میراث فرهنگی ملموس است که مورد تأکید قرار گرفته و ضرورت توجه به «مکان‌های دارای اهمیت فرهنگی»<sup>۱۴</sup> هم‌زمان با توجه به معانی مستتر و ارزش‌های مکتوم در آنها را مطرح نموده است (ICOMOS, 2000: 1-3; Feilden, 2003: viii)؛ چرا که «به اندازه شواهد و آثار تاریخی، بیان‌های ملموسی از هویت و تجارب گذشتگان هستند» (ICOMOS, 2000: 1). لذا آثار معماری تاریخی در این منشور، مکان‌های ملموس تاریخی دارای اهمیت و (ارزش) فرهنگی و شایسته حفظ معرفی شده‌اند. با این حال بر اساس این تعریف، اگر چه همه آثار معماری تاریخی دارای اهمیت فرهنگی هستند، اما مکان‌های دارای اهمیت فرهنگی، به آثار و شواهد تاریخی ملموس نظیر وجوه کالبدی بناهای تاریخی محدود نشده و هم‌چنان امکان بسط و گسترش مفهوم آن وجود دارد. هم‌چنین با توجه به تعریف «مکان‌های تاریخی»، کلیه ویژگی‌های ارزشی مربوط به کلیت یک مکان تاریخی از جمله نام آن، با وجوه غیر کالبدی اثر نسبت می‌یابد و جای نام‌های معماری به مثابه بخشی از میراث ناملموس یا وجه غیر کالبدی-زبان‌شناختی میراث در نظر گرفته می‌شوند (UNESCO, 2003).

### اهمیت فرهنگی جای نام‌ها

با توجه به پیشینه تاریخی و فرهنگی-تمدنی، تنوع فرهنگی-اقلیمی و قرار گرفتن در مسیر ارتباط (تجاری، سیاسی و نظامی) جهان قدیم، ویژگی‌های مشترک گونه‌شناختی جای نام‌ها<sup>۱۵</sup> در ایران از بازه موضوعی-مفهومی-شناختی گسترده‌تر و پیچیده‌تری نسبت به سایر سرزمین‌ها برخوردار هستند (باستانی راد و مردوخ، ۱۳۹۲: ۲۷ و ۲۸). علاوه بر اطلاعات فرهنگی-تاریخی-جغرافیایی مهمی که از مطالعات جای نام‌شناختی در خصوص خود مکان و واقعیت‌های تاریخی-اجتماعی-عملکردی شرایط پیرامونی این مکان‌ها و تحولات آنها حاصل می‌شود، هم‌چنین اطلاعاتی در ارتباط با گستره وسیع‌تری از تعامل‌های بینامتنی و فرامتنی زمینه‌های تاریخی-جغرافیایی-فرهنگی به دست می‌آیند که تا حدودی می‌توانند روشن‌کننده شرایط و گستره‌ای باشند که این نام‌ها زمانی در آنها معنا دار بوده‌اند.

از نام‌ها است (Kadmon, 2004: 85). در بسیاری مناطق جهان، نمونه‌های فراوانی از تغییر نام‌ها مشاهده می‌شوند؛ از تغییرات بزرگ کشوری گرفته تا تغییرات با مقیاس کوچک‌تر مانند تغییر نام محله‌ها، کوچه‌ها و خیابان‌ها. در این میان، علاوه بر تغییر تدریجی جای نام‌ها که پدیده‌ای زبان‌شناختی و طبیعی است، چنین به نظر می‌رسد که گاه با تغییرات ناگهانی و شتاب‌زده این نام‌ها مواجه بوده‌ایم (بیات، ۱۳۷۰: ۱۷۲ و ۱۷۳). در ایران، به‌ویژه از میانه دوران پهلوی اول هم‌زمان با تحولات ملی-سیاسی کشور و پیرو آن بعد از انقلاب اسلامی، توسعه گسترده شهری با تغییر ناگهانی بسیاری از نام‌های جغرافیایی نیز همراه بوده است (همان: ۱۷۲ و ۱۸۳). به‌ویژه از سال ۱۳۴۱، ابتدا فرهنگستان و سپس هیأت دولت، صدها نام شهر و غیره را تغییر دادند که غالباً مخدوش‌کننده بوده است. در بررسی این نام‌ها و اسامی جغرافیایی، نام‌های «بی‌معنی شده» زیادی هستند که نه تنها به سبب جدایی از زبان تحول‌یابنده، از مصادیق و معانی اولیه خود دور مانده‌اند، بلکه توسط کسانی که از روی حسن نیت به جهت «معنادار شدن» دست به تغییر آنها زده‌اند، دچار دست‌کاری‌های عجیب و غریب شده‌اند که آنها را لگدمال، تحقیر و بی‌معنا نموده است (قرشی، ۱۳۸۹: ۱۷). به‌رغم این تغییرات وسیع و متعدد، اگر تغییرپذیری جای نام‌ها به خاطر تغییر نیروهای فعال تاریخی که در ابتدا یا هم‌زمان در تخصیص جای نام‌ها و ایجاد آثار معماری شرکت داشته‌اند، آشکار است، اما این پرسش مطرح می‌شود که با وجود تغییر دائمی آثار معماری و نام آنها، چرا این تغییرات از دیدگاه مرمتی می‌توانند مشکل‌ساز باشند؟ برای روشن شدن این موضوع، به تحلیل مصادق‌هایی از جای نام‌ها خواهیم پرداخت.

برای مثال، می‌توان به مواردی مانند تغییر نام کشور در دوران رضاشاه، کاربرد معاندانه خلیج یا خلیج عربی به جای خلیج فارس در برخی رسانه‌ها و یا حتی کاربرد دو گانه و چه بسا چند گانه نام‌های تحت ادعای بی‌زانس شرقی و امپراتوری اسلامی عثمانی ترکیه-یونان<sup>۱۶</sup>، اشاره کرد که از سویی نشان‌دهنده نوعی تقابل میان قدرت نیروهای فعال با قدرت‌های تاریخی جامعه و از سوی دیگر، حاکی از پیچیدگی روابطی است که جای نام‌ها با دیگر لایه‌های زبانی و ارزشی دوران مختلف دارند. فارغ از چرایی تغییر جای نام‌ها، در هر یک از این تغییرات، شاهد نوعی انتخاب هستیم که با تحقیق گسترده و عمیق آشکار می‌شود. برای مثال، با بررسی تغییر نام کنستانتینوپل (قسطنطنیه) به اسلامبول و استانبول (پی‌نوشت ۱۶)، علاوه بر معانی تاریخی مکتوم، نوعی هم‌آهنگی صوری میان فرم واژگان ضرب‌شده نیز مشهود است یا در

تغییر نام میدان نقش جهان اصفهان (در اصطلاح عامه؛ میدان شاه) هم‌زمان با التهابات سیاسی-اجتماعی ناشی از شرایط انقلابی جامعه در آن زمان، تغییر از میدان «شاه» به میدان «امام خمینی»، انتخابی مبتنی بر گزینش «مهم‌ترین فرد» ساختار سیاسی-اجتماعی حاکم بر قدرت فعلی و قیام علیه حاکمیت قبلی، کاملاً مشهود است. در حالی که سطح مواجهه عمومی با نام این میدان در آن زمان، برگرفته از نگاهی عمیق به پیشینه تاریخی این مکان نبوده است؛ چرا که در آن زمان با رنگ باختن قدرت اجتماعی سیاسی شاه‌عباس از قدرتی سیاسی به قدرتی صرفاً تاریخی، تغییر نام میدان «شاه»، خواه ناخواه قدرت اجتماعی او را به حاکمیت پهلوی نسبت داده و رد می‌کند. از تغییر نام میدان نقش جهان/شاه (عباس) که بگذریم، تداوم این نوع تغییر در تخصیص نام میدان امام خمینی به میدان‌های توپخانه تهران و قزوین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این انتخاب‌ها بر تکوین دیگر نام‌های موجود در جامعه تأثیر گذاشته است<sup>۱۷</sup>. سید حسین نصر در مورد انتخاب نام چند تن از مشاهیر ایران برای خیابان‌های تهران از جمله سهروردی، ملاصدرا و میرداماد و تداوم این روند پس از انقلاب چنین می‌گوید: «در سطح عام حتی نمی‌توانستید تصور کنید در سال ۱۹۶۰ نام میرداماد بر بلوار اصلی و نه خیابانی باریک و فرعی گذاشته شود. در آن روزگار چه کسی میرداماد را می‌شناخت؟ (خیابان ملاصدرا) هم‌زمان با وقوع انقلاب به خاطر وجود سازمان گوشت تهران (در آن خیابان) به نام خیابان سازمان گوشت مشهور شد» (Nasr & Jahanbegloo, 2010: 110-111). با این وجود، اگر چه این ابزار می‌تواند سطحی و معاندانه به کار گرفته شود، اما با ارتقای نام یک محله یا مکان می‌توان به ارتقای کیفیت کاراکتر مکان در اذهان و به مرور از بین بردن خاطره‌های جمعی ناخوشایند کمک کرد. با ذکر نمونه‌ها مشاهده کردیم علاوه بر آن که تغییر نیروهای اجتماعی-سیاسی-تاریخی-فرهنگی جامعه می‌تواند منجر به تخصیص یا تغییر جای نام‌ها شود، تغییر جای نام‌ها نیز می‌تواند نوع تعامل نیروهای فعال جامعه را تا حدی تحت‌الشعاع قرار دهد.

به‌رغم ضرورت «توجه به حیات و حفظ روح زنده آثار» (Forsyth, 2007: 3-4)، ممکن است چنین تصور شود که تغییر یک نام، آسیبی جدی برای یک اثر تاریخی در پی ندارد. این دیدگاه، از آنجایی می‌تواند نشأت گیرد که یکپارچگی جای نام با مکان تاریخی در کلیتی که آن را اثر معماری می‌خوانیم، مورد غفلت واقع شود؛ چرا که فارغ از نوع جای نام و روند تغییر آن، هر تغییری که در آن سهواً یا به‌عمد، به‌طور طبیعی یا مصنوعی، آگاهانه یا با شتاب‌زدگی



رفتن سرشت واقعی آن به هیچ‌یک از خصوصاتی که به آن شکل داده‌اند، تقلیل داد (Larice & Macdonald, 2013: 252)؛ اما در دیدگاه عارفی، بعدی خفی، ناملموس و در اصطلاح بی‌مکان به مکان داده شده که در تضاد با دیدگاه مفسرانی که آثار نوربرگ-شولتس را تفسیر نموده‌اند به‌نظر می‌رسد. در تعریف دیگر به‌نقل از ادوارد رلف<sup>۱۸</sup>، مکان، ترکیبی از نظم انسانی و طبیعی معرفی شده است (Seamon & Sowers, 2008). بر اساس این تفاسیر، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نمی‌توان مکان را بدون زمینه آن شناخت و در عین حال، یک مکان علاوه بر اشاره به محل جغرافیایی خاص، دارای کاراکتری ذاتی است که به‌واسطه آن از سایر جاها متمایز می‌شود. بر اساس این دیدگاه‌ها، به‌واسطه معانی و ارزش‌های مکتوم در این کاراکتر ذاتی، همواره کیفیتی از بودن و تشخیص در مکان برقرار است و هر نوع مداخله در آن نیز مستلزم شناسایی کاراکتری است که یافی‌ذاته در مکان وجود دارد و یا به‌سبب نیات و تجارب انسانی در آن مکتوم می‌شود. بنا بر آن چه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که نه‌تنها وجود مکان و انسان (یا زندگی انسانی) به‌نوعی در هم آمیخته شده<sup>۱۹</sup> بلکه این در هم آمیختگی به امتزاج مکان و خاطره نیز اشاره دارد. شاید بتوان یادآوری خاطره تجارب در دیدگاه کهن افلاطون را نقطه عطفی در شکل‌گیری زمینه‌های بحث در مورد خاطره انسان در مکان دانست؛ با این وجود برای شناخت اهمیت جامعه‌شناختی ارتباط پویای خاطره‌ها و مکان‌ها، مطالعه صرف مکان و خاطره به‌تنهایی کفایت نمی‌کند (Truc, 2011: 148). بنا بر دیدگاه پدیدارشناسانه نوربرگ-شولتس، نیز نمی‌توان معانی وجودی را به‌طور اختیاری به زندگی انسان‌ها افزود؛ چرا که معنا، بخشی از شاکله انتظام‌بخش فضا است و صرفاً امکان آشکار شدن آن در مکانی خاص وجود دارد و بنابراین کیفیتی پویا است (پرتوی، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۱ به‌نقل از Schulz, 1975: 43)؛ از این‌رو، همواره بخشی از کلیت آن برای ما شناخته می‌شود و پیامد روشن شدن کاراکتر مکان به‌مرور می‌تواند این‌طور تعبیر شود که شناخت مکان نیز بر همین اساس پویا است. در مباحث روان‌شناسی محیطی نیز مکان برآیند نیروهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی، مختلف است و ممکن است تحت تأثیر این نیروهای بیرونی به مکان دیگری تبدیل شود و مداخله انسانی می‌تواند موجب شکل‌دهی مجدد به سرشت مکان شود (Seamon, 1982: 130-131). شکل‌دهی مجدد یا تغییرپذیری مکان از این منظر، در وهله اول ممکن است با دیدگاه نوربرگ-شولتس مبتنی بر برخورداری مکان از کاراکتری فی‌ذاته و کیفیت آشکارشدنی آن متضاد به‌نظر

و انگیزه‌های معاندانه، چه برای افزودن، تغییر و ارتقا یا حذف و یا جایگزینی و پذیرش معنایی خاص در ارتباط با یک اثر یا مکان تاریخی صورت گیرد، نشان از حیات جای‌نام در ارتباط با کلیت اثر و شرایط پیرامون آن دارد و لازم است با حساسیتی در خور هر نوع دیگری از لوازم میراثی با آن برخورد شود.

### خاطره‌مندی

با توجه به تاریخ‌مندی جای‌نام‌ها و آثار معماری تاریخی در ارتباط با مکان‌های تاریخی و نیز از آنجا که بر اساس تعریفات که در آغاز سخن ذکر شد؛ «خاطره‌مندی» یکی از مفاهیم مهم موضوعاتی با محوریت تاریخ محسوب می‌شود، برای روشن شدن ابعاد این مسأله، با نگاهی کل به جزء به بررسی کاراکتر و ماهیت مکان و نام و چگونگی نسبت یافتن این دو در ارتباط با مفهوم «خاطره» خواهیم پرداخت.

### کاراکتر مکان

همان‌طور که در مفردات تحقیق اشاره شد، به‌لحاظ مفهومی، دو واژه «مکان» و «جا» تقریباً از یکدیگر متمایز هستند. برای مثال، گفته شده مکان، «جایگاه و سطح باطن جسم حاوی [در بر گیرنده] است که مشتمل بر محوی [در بر گرفته شده] است (افنان، ۱۹۸۶: ۲۶۳ و ۲۶۴) و یا چنین می‌خوانیم که «مکان صرفاً یک جا نیست، بلکه جایی خاص است که به‌خاطر امتزاج با ارزش‌های بشری خاص شده است... معنای آن در زبان روزمره وسیع‌تر از کاربرد آن در جغرافیا است؛ مکان، هدف و کانونی است که حوادث معنی‌داری در آن تجربه می‌شود؛ علاوه بر آن، مکان عرصه‌ای درونی است که با عرصه بیرون احاطه‌کننده‌اش در تقابل است و واجد ارزش‌های مهم احساسی، فرهنگی و تاریخی است» (پرتوی، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۱ به‌نقل از Schulz, 1975: 431).

در دوران اخیر نیز مکان اکثراً به جایی با محدوده، محل استقرار و دارای ارتباط خاص اشاره می‌شود، اما در حقیقت تفسیر مشخصی از مکان نداریم؛ از یک‌سو، مکان می‌تواند مقیاسی به‌بزرگی یک قاره و از سوی دیگر می‌تواند به بنایی خاص اشاره داشته باشد. بنا به عقیده نوربرگ-شولتس، مکان، کلیتی از وجود است و همان چیزی است که هست؛ لکن عارفی، مکان را «سیال و فضای جریان‌ها و اطلاعات تلقی می‌کند و آن را بدون مرز و قابل‌اتساع می‌داند (Arefi, 1999: 18; Norberg-Schulz, 1980). بر اساس دیدگاه شولتس، مکان، چیزی بیش از یک محل انتزاعی و کیفیتی کلی است که عناصر آن، کاراکتری محیطی (سرشت مکان) ایجاد کرده‌اند و نمی‌توان این کلیت را بدون از دست

برسد، اما باید این توضیح اضافه شود که وی، درک انسان امروز از «روح حقیقی مکان» را (به دلیل دور شدن از آگاهی‌های درونی) ناقص می‌داند و به این جهت، مداخله در مکان را در صورتی ممکن می‌داند که در ابتدا قابلیت مکان یا «کاراکتر» آن شناخته شود تا قالب انسانی، مداخله کیفیتی تحمیلی و شخصی (دل‌خواهی) به خود نگیرد و با کاراکتر درونی مکان هم‌خوان باشد (idem). معنای مکان در رابطه با فضا، در نظر رلف، با تجربه حاصل از حضور انسان‌ها به‌مثابه معنا و محتوای این کیفیت فضا مندم (مکان) تعبیر می‌شود؛ به همین دلیل، کاراکتر اصلی مکان در قابلیت انتظام و ایجاد تمرکز بر نیت، تجارب و شمولیت رفتار انسانی در مکان جستجو می‌شود. هم‌چنین بنا بر دیدگاه او، اساساً مکان‌ها از طریق مواجهه‌های مکرر و تداعی‌های پیچیده در خاطر ایجاد می‌شوند و لذا هر نوع تجربه مکانی الزاماً زمان‌دار و خاطره‌مند است (Seamon & Sowers, 2008). در نگاه هایدگری، بودن-در-زمان، هر مکانی نیز زمان‌مند و خاطره‌مند است. خاطره در ارتباط با مکان، «بازسازی گذشته به کمک اطلاعاتی مربوط به زمان حال» تعریف شده است که برای آن که چیزی بیش از یک تصور تخیلی باشد، بایستی در مکانی رخ داده و تجربه شده باشد (Halbwachs, 1997: 38). بنابراین خاطره، کیفیتی کاملاً زمانی و در عین حال همان‌طور که قبلاً نیز بحث شد، وابسته به مکان است؛ چرا که در ابتدا هیچ انسانی (حداقل در شرایطی که به‌طور طبیعی می‌شناسیم) قادر نیست بدون به‌یاد آوردن و تصور مکانی که خاطره در آن روی داده است از وجود خاطره سخن بگوید. بر اساس آنچه سخن رفت، این کاراکتر درونی یا معنای مکان نه‌تنها مجموعه همه خاطرات گذشته، بلکه در حقیقت برآیند تأثیر و تأثرات همه رویدادها و تجارب عملی و شناختی است که در هر مکانی به‌طور مداوم در حال وقوع است و بخشی از ارزش‌های مکتوم در این مکان‌ها را شامل می‌شود.

### کاراکتر نام: صورت و معنا

هر واژه‌ای دارای معنایی است که به‌صورت قراردادی با ویژگی‌های مختلفی در نسبت<sup>۲۰</sup> قرار می‌گیرد (White, 1992: 81-82). در بررسی انجام‌شده، ملاحظه شد چگونه هر جای نام در گذر زمان با مسأله تغییر مواجه می‌شود. از آنجایی که برای شناخت معنای نام‌ها باید همان قراردادهایی را شناخت که موجب اختصاص این معانی توضیحی، فرضی یا اشاره‌ای به واژه شده‌اند (idem)، به‌لحاظ زبان‌شناختی، نسبت معنایی مختلف با صورت نام‌ها به‌گونه‌ای است که گویی نام‌واژه چون یک فرم<sup>۲۱</sup> حامل معانی به‌خصوصی می‌شود.

چنان‌چه اشاره شد، نام نوعی واژه برای تعیین بخشیدن به هر چیزی است که با آن خوانده می‌شود (قریب و دیگران، ۱۳۶۳: ۲۰)؛ لذا هر نام، فرم یا صورتی زبان‌شناختی، برای اشاره به شیء، مفهوم یا امری است که به کمک آن تصور یا ذهنیتی از آن چیز در ذهن نقش می‌بندد.

از این تعریف که تصور با «نقش کردن هر چیزی در ذهن» است (شاملو، ۱۳۸۹: ۹)، چنین بر می‌آید که هر نامی (یا جای نامی) می‌تواند تصویری در خاطر ایجاد کند یا این‌که با آن به یاد مکان مشخصی بیفتیم؛ برای مثال «میدان نقش جهان»، «مسجد شیخ لطف‌الله»، «پل الله‌وردی خان یا سی‌وسه پل». میدان، مسجد و پل هر سه نام‌واژه‌هایی عام هستند که در کاربرد هم‌زمان با بخش دوم، خاص شده و تصویری مشخص را در خاطر مجسم می‌سازند. از واژه «میدان»<sup>۲۲</sup>، تصویری در ذهن ما نقش می‌بندد که متمایز از تصویری است که از واژه «پل» در خاطر داریم. حال اگر واژه انگلیسی میدان را در زبان انگلیسی بدون هیچ زمینه‌ای به کار ببریم، دو معنا در نظر می‌آید؛ یکی میدان و دیگری مربع یا مستطیل. این‌که چرا فرم هندسی مربع و نه دایره یا مستطیل و ... در زبان انگلیسی معادل میدان نیامده، مستلزم شناخت دلایل تخصیص این نام در همان زمینه است؛ مثلاً این پرسش به ذهن نزدیک می‌شود که آیا نمونه‌های نخستین میدان همگی مربع/مستطیل شکل بوده‌اند یا خیر؟ اگر واژه «سی‌وسه» را در نظر بگیریم، این واژه در ریاضیات معنایی مشخص دارد؛ یک عدد است، اما هنگامی که «سی‌وسه» هم‌زمان در کنار واژه «پل» به کار برده می‌شود، تعیین دیگری می‌یابد. معمولاً اولین تصویری که در ذهن یک فرد اصفهانی یا ایرانی نقش می‌بندد، هیچ ربطی به تعداد قوس‌های این پل ندارد، بلکه (پل) «سی‌وسه پل»، اثر معماری مشخصی است که در خاطر ما نقش می‌بندد و ما مستقیماً به تصویر ذهنی معینی از همه چیزهایی که از آن در حافظه داریم متصل می‌شویم. سؤال بعدی که ممکن است مطرح شود آن است که چرا «سی‌وسه»؟ با توجه به آن‌که در محاسبه علم اعداد (حساب جمل)، ارزش عددی حروف واژه الله معادل ۶۶ است، آیا جمع عددی سی‌وسه چشمه طاق با تصویر آنها در آب (۳۳+۳۳)، ارتباطی با نام دیگر این مکان یعنی «پل الله‌وردی خان» دارد؟ به‌عبارت‌دیگر، بعید به نظر می‌رسد که هم‌خوانی نمادین تعداد چشمه‌های این پل با نام بانی این بنا، انتخاب و گزینشی مشخص نبوده باشد. حال، وقتی نام مکانی مشخص به زبان آورده می‌شود، نیز تصویری در ذهن ایجاد می‌شود و طبیعتاً برداشت افراد مختلف بر حسب شرایط تعامل و ویژگی‌های فردی گوناگون آنها متفاوت است. احتمالاً تصویری که در خاطر یک فرد اصفهانی با شنیدن



با نام دیگری خوانده شود. به عبارتی، جای نام‌ها با بسیاری زمینه‌های دیگر موجود در فرهنگ، تاریخ و جغرافیایی که نام و مکان در آن شکل گرفته‌اند، دارای نسبت‌هایی تودرتو هستند و همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، برای دسترسی به زمینه‌های خاطره‌مندی آنها، به دامنه‌ای بزرگ‌تر از بستر اولیه نام نیاز است. لذا، هیچ‌گاه نمی‌توان بدون فهم نیروهای تاریخی مؤثر بر تکوین نام‌های کهن و بدون توجه به برآیند کلی ارزش‌های زبان‌شناختی، فرهنگی-تاریخی-جغرافیایی آنها، به نتیجه روشنی در درک چندوچون جای نام‌ها دست یافت. با این اوصاف، وقتی از ارزش‌هایی که هر نامی می‌تواند حامل آنها باشد سخن می‌گوییم، در حقیقت نام نیز حامل این ارزش‌ها یا خاطره‌ای از آنها است که خود آن خاطره نیز می‌تواند به شکلی در حال تغییر باشد. از این‌رو، نام، مکانی ناملموس برای تبلور این ارزش‌ها به‌مثابه خاطره مکان است. به عبارت دیگر، نام، حامل خاطره زندگی جریان‌یافته در مکان است. از آنجا که نام‌ها دارای اهمیت فرهنگی هستند، شایسته رویکردی حفاظتی-مرمتی هستند؛ لذا هر نوع تغییر شتاب‌زده و بدون رویکرد مرمتی به نام یک مکان و بدون بررسی نسبت‌هایی که با دیگر نام‌ها داشته است، ممکن است به اطلاعات مکتومی که از طریق نام می‌توان به دست آورد، لطمه وارد سازد.

### پویایی نسبت‌یافتگی جای نام با مکان

آثار معماری تاریخی به‌مثابه مکان‌های ملموس دارای اهمیت فرهنگی، به‌طور مداوم در حال تغییر و تکوین هستند و ما با وجوه مختلفی از این آثار در بستر تحول و تداوم روبه‌رو هستیم. گاه دیده‌ایم نام یک مکان، یک گونه<sup>۲۴</sup> معماری یا اثر تاریخی، باقی‌مانده و خود مکان از دست رفته است و یا برعکس، مکانی تاریخی وجود دارد در حالی که در گذر زمان نام آن نسبت به نام اولیه (پروتونام) تغییر یافته است و چه بسا آن نام‌ها دیگر به‌خاطر آورده نشوند. علاوه بر جای نام و مکان تاریخی، وجه اتصال جای نام و یک اثر معماری؛ یعنی نسبت میان آنها نیز در معرض تغییر است. بنابراین شناخت جای نام‌ها و به‌ویژه نام‌های کهنی که در گذر زمان با آثار معماری نسبت یافته‌اند، دارای محدودیت‌هایی است؛ چرا که بر تکوین و تغییر شکل تدریجی هر یک از جای نام‌ها یا مکان‌ها، گاه به یک‌باره نام دیگری به یک مکان اطلاق می‌شود. با این توصیف، می‌توان به‌شکل دیگری به موضوع تغییر نام نگریست؛ یعنی نسبت میان نام و مکان را مورد ارزیابی قرار داد. به عبارت دیگر، اگر چنین در نظر بگیریم که نام و جایی که به آن اطلاق می‌شود، هر یک به‌طور مجزا تکوین یابند و بنا به دلایلی تاریخی در نسبت با هم قرار گیرند، دیگر تصور

نام «میدان نقش جهان» نقش می‌بندد، ابتدا چیزی در مورد موضع فیزیکی و ویژگی‌های آن یا معنای شخصی خاصی است که در تعامل او با این «مکان تاریخی» به وجود آمده است و کمتر به معنای لفظی این واژه توجه می‌کنند<sup>۲۳</sup>. یک اصفهانی با گفتن نام سی‌وسه پل، مکان مشخصی را به‌خاطر می‌آورد، اما کسی که نسبت به این مکان خارجی هیچ ذهنیتی نداشته باشد، به وجه معنایی این نام و به ساختار جمله دقت خواهد کرد؛ یا اگر چه با مطالعه وجه تسمیه شهری مانند اصفهان، دلایل عملکردی-اجتماعی و رویدادهای تاریخی-جغرافیایی و فرهنگی مربوط به آن، هر یک به‌نوعی بخشی از لایه‌های معنایی نسبت‌یافته با این مکان و نام آن هستند، بسیار نادر است که در کاربرد روزمره، کسی از شنیدن «اصفهان» به «سپاهان» (در معنای محل نگهداری سپاه) یا دیگر نام‌های کهن این شهر تاریخی بیندیشد و همه را یک‌جا به «خاطر» آورد. به نظر می‌رسد شهری تاریخی-صنعتی در مرکز ایران در نظر آید.

از این نمونه می‌توان چنین نتیجه گرفت که در پس پیچیدگی لایه‌های معنایی این تصور یا خاطره ذهنی، مستقیماً با شناخت کاربردی، تجربی و نظری که از آن در خاطر یا حافظه معنایی هر یک از ما ثبت شده، در ارتباط باشیم. بنابراین طبیعی است که کیفیت این خاطره، وابسته به همه ویژگی‌های معمارانه و معنای عملکردی، نمادین و تاریخی خاص فرم و گونه معماری، اطلاعاتی در مورد موضع، قدمت، مالکیت، عالم پدیدآورندگان آثار و حتی سیر تحول اتفاقاتی باشد که برای یک فرد یا جامعه مشخصی که این پدیده در آن شکل گرفته و به عبارت دیگر به کمک آنها تعریف شده است، معنادار شده باشد. به این ترتیب، می‌توان چنین نتیجه گرفت که فهم این نام‌ها بسیار به زبان‌ها، تاریخ و جغرافیا و عوامل متغیر فردی و اجتماعی دیگری وابسته است که همگی کیفیتی از خاطره دارند و اگر چه فهم زبانی معنای نام بسیاری آثار مانند سی‌وسه پل، منارجنبان و ... برای مردم محلی چندان دشوار نیست، اما نام مکان‌ها و جای‌ها در اقلیم کهنی هم‌چون ایران به راحتی قابل فهم یا تفسیر نخواهد بود (ابویی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۰؛ به نقل از اولیاء، ۱۳۸۱)؛ چرا که همه این خاطره‌ها یا نسبت‌هایی که در گذشته با سایر زمینه‌ها داشته‌اند، به راحتی به دست نمی‌آیند. به دلایل مختلفی هم‌چون تغییر حاکمیت، مذهب و سیاق زبان، با نام‌هایی مواجه می‌شویم که با توجه به کیفیت مداوم در حال تغییر زبان، از منظر زبان امروز، فاقد معنای کاربردی روشن و صریح باشند. به عبارت دیگر، ممکن است نام‌ها به‌مرور زمان از معنا یا معنای اولیه خود تهی شده و معنای جدیدی بر آنها افزوده شود یا صورت عینی مکان

ما از نام به مثابه وجهی ثانوی و صرفاً زبان شناختی برای یک مکان تاریخی یا اثر معماری نخواهد بود که فهم آن فقط با مسیری خطی قابل پی جویی باشد.

اگر هر نامی مانند نام خورشید، یک گیاه یا یک مکان به خصوص را در زبان‌ها و دوره‌های مختلف در نظر بگیریم، از تفاوت این نام‌ها در این زمینه‌های مختلف به این نتیجه خواهیم رسید که در هر زمینه بدون شناخت دلیل نام‌گذاری، به هیچ عنوان نمی‌توان دانشی تولید کرد (Feynman, 1973). با این حال، مطالعه تغییر نسبت‌یافتگی نام‌های مختلف با یک نمودی عینی مانند یک جای مشخص، در ارتباط با نوع خاطره (رویدادها، معانی و کیفیات زندگی در مکان)، واقعیات و اطلاعات تاریخی مهم و نکات مستوری را در همان زمینه زبانی روشن می‌کنند که لزوماً در کالبد فیزیکی مکان به چشم نمی‌خورند. بنابراین زمینه فرادستی که نام و مکان هر یک در سیر تاریخی مجزایی می‌پیمایند، به شکلی و به دلایلی قرین هم قرار می‌گیرند. با این وجود، نظم غیر تصادفی گزینش یک نام برای یک جا، نیز می‌تواند در معرض تغییر باشد. به عبارت دیگر، خود نام می‌تواند مکانی برای تبلور همه آن روابط و معانی باشد که از زندگی انسانی بر جای مانده است. از این موارد می‌توان چنین نتیجه گرفت که نام نیز هم‌چون کالبد فیزیکی یک مکان، یا به بیان دیگر مانند مکان ملموس تاریخی، مکانی برای خاطره است؛ خاطرات در صورت ملموس مکانی نظیر یک اثر تاریخی به شکل «شواهد تاریخی» مکتوم می‌شوند و تغییر نسبت پویای جای نام‌ها با مکان‌ها نیز به نوعی با رخدادها، شواهد و منابع مربوط به خود اثر مرتبط است. پس در این حالت، نام، صورتی با جسمیت ملموس لفظی دارد که مملو از خاطره بوده و در معنا نیز می‌تواند به مثابه صورت ناملموس مکان خاطره یا به عبارتی مکان ناملموس خاطره در نظر گرفته شود. بر همین اساس، نام نه فقط به عنوان لایه‌ای تاریخی-زبان‌شناختی از یک مکانی، بلکه به مثابه صورتی ناملموس از آن؛ یعنی یک مکان (ناملموس)، حائز اهمیت است. اما تعامل و نسبت میان شیئیت ملموس نام و مکان نیز حائز اهمیت است. به عبارتی، اگر نام و مکان تاریخی (اثر)

را به مثابه «مکان» (به معنای کیفیتی فضا مند) حامل معنا و خاطره در نظر بگیریم، باید شناخت خاطره مکان را در گرو شناخت پویایی معنا و کاراکتر مکان و چگونگی تحول وجوه ملموس و ناملموس آن در گذر زمان دانست؛ چرا که این نسبت خاص با توجه به شرایط و عوامل تکوین نام و مکان‌ها به طور مداوم در حال تغییر است. لذا، نسبت میان اثر معماری و نام آن نیز خود لایه‌ای از ارزش‌های تاریخی-فرهنگی کلیت اثر است. در معماری، با توجه به آن که نام از حوزه زبان اتخاذ و بر مکان نهاده می‌شود، تا حدودی جای نام امری پیش‌انگاشته تلقی می‌شود؛ اما از آنجا که هر جای نام به واسطه شرایط و با هدفی مشخص به مکانی خاص نسبت یافته و سپس به همان شکل پیرو انگیزه‌ها و نیروهای تاریخی-جغرافیایی-فرهنگی به خصوصی تغییر یافته‌اند، از این رو، جای نام و نسبتی که با صورت ملموس مکان دارد، حامل ارزش‌ها و معانی مختلفی شده است که در مورد هر جای نامی منحصر به فرد است. لذا، شناخت همه امکانات زبان‌شناختی یک جای نام می‌تواند رویکردی اساسی برای شناخت و مواجهه آگاهانه با کاراکتر کیفیات نهان مکان باشد که البته این مسأله در عهده گروهی متشکل از آرا و زمینه‌های تخصصی متعدد و ورای بینشی فردی است. از طرف دیگر، از آنجا که جای نام‌ها با مکان و شرایطی که موجب پیدایش و تکوین این جای نام‌ها شده‌اند و چه بسا با دیگر نام‌های هم‌دوره خویش دارای نسبت‌هایی هستند که با تغییر یک‌باره و شتاب‌زده جای نام‌ها امکان از دست رفتن و خدشه‌دار شدن معنا و خاطره مکتوم در آنها به وجود می‌آید، باید در حفظ لایه‌های معنایی متعدد آنها کوشید؛ چرا که هر نوع مداخله و تغییر در جای نام با توجه به تأثیرگذاری آن در نسبت مکان و نام آن (صورت ملموس و صورت ناملموس مکان خاطره)، بر کلیت اثر و روابط تاریخی آن تأثیر می‌گذارد و باید تصمیمی آگاهانه و غیرشتاب‌زده باشد. تنها در این صورت با شناخت نسبتی که نام و خاطره مکان (اثر معماری) با هم دارند، می‌توان به تداوم آگاهانه تکوین هر دو کمک کرد.

## نتیجه‌گیری

طبق تعاریف جدید میراث فرهنگی، اگر چه آثار دارای اهمیت فرهنگی، شایسته حفظ و مرمت شمرده شده‌اند، با تأکید بر اهمیت یا ارزش‌های مختلف فرهنگی جای نام و بحث در مورد ضرورت مواجهه مرمتی با آنها، مشخص شد نه تنها همه نام‌های تاریخی و از جمله جای نام‌های تاریخی، لوازم میراثی دارای ارزش‌های فرهنگی-تاریخی فراوان هستند، بلکه لازم است از منظری حفاظتی-مرمتی به کلیتی که اثر معماری خوانده می‌شود (متشکل از فرم، عملکرد و نام در بستر تاریخ)، مورد توجه قرار گیرند. هم‌چنین با توجه به ارزش‌های انسانی مکتوم در کاراکتر



مکان و نیز برخورداری جای نام از چنین کیفیتی که می‌تواند حامل معانی مربوط به ارزش‌های مزبور باشد، چنین نتیجه گرفته شد که برای تلقی یک صورت یا «قالب» به‌مثابه مکان، برخورداری از ملموسیت مکانی ضروری نیست. چه بسا بر خلاف رویکرد تاریخی رایج به جای نام‌ها در مرمت، می‌توان با توجه به معانی خاصی که هر جای نام در نسبت با شیئیت یک اثر معماری حمل می‌کند، با نگاهی کل‌نگر به اثر و نام آن، هم جای نام و هم شیئیت مکان تاریخی، هر دو را واجد کیفیت لازم برای مکان بودن یا «مکان بودن» دانست؛ برای مثال، یک اثر معماری دارای وجه ملموس مکانی است ولی نام آن اگر چه خود به‌شکل زبان‌شناختی وجود دارد، اما به‌لحاظ کالبدی می‌توان آن را مکان ناملموس حامل خاطره مکان دانست.

با توجه به آن که ضرورت شناخت و حفاظت از ارزش‌های فرهنگی جای نام و نسبت‌های پویایی که به‌مثابه عنصری تاریخی-زبان‌شناختی از یک سو با پیشینه فرم و عملکرد مکان و از سوی دیگر با زبان‌ها و دیگر زمینه‌های فرادست فرهنگی-جغرافیایی-تاریخی دارند، مشخص شد که حفاظت از جای نام‌های معماری در زمینه‌ای حفاظتی، مستلزم شناخت اهمیت هستی‌شناختی این جای نام‌ها و بازاندیشی در پارادایم خوانش آنها است. علاوه بر ایده ملموسیت مکان، مفهوم نام به‌مثابه قالب و حامل معنا نیز، ضرورت توجهی کلی‌نگر به مکان ملموس، جای نام و نسبت نام و مکان و در مجموع، اهمیت هستی‌شناختی نام در ارتباط با مکان و تأثیر آن دو را بر هم یادآور می‌شود. در راستای جمع‌بندی زمینه‌های کلیدی بحث، در قالب تطبیقی (جدول ۲) با روش تحلیلی-مقایسه‌ای، رویکرد کل‌نگر نوینی به جای نام و مکان ارائه می‌شود.

در نهایت، می‌توان چنین گفت که با نظر به تفاوت‌هایی که ذکر شد، نام نه تنها یک نشان برای وجه مکانی اثر و وجهی ناملموس از ارزش‌های آثار (مکان‌های تاریخی) است و در نتیجه در زمره میراث ناملموس دارای اهمیت فرهنگی محسوب می‌شود، بلکه می‌توان هر جای نام را حامل اهمیت فرهنگی و به‌عبارت دیگر، مکانی ناملموس برای حمل ارزش‌های گوناگون در نظر گرفت؛ بنابراین جای نام به‌مثابه صورت ناملموس مکانی، شایسته همان توجهاتی است که متوجه کالبد فیزیکی آثار (صورت ملموس) می‌شود. لذا، لازم است پیش از هر نوع مداخله در جای نام‌ها، بدانیم هر نام از کجا آمده و با چه معانی دیگری در قلمروهای فرهنگی-جغرافیایی-تاریخی در ارتباط بوده است؟ هم‌زمان با تحول و تداوم شرایط عامل، جای نام‌ها چگونه تکوین می‌یافته‌اند و از همه مهم‌تر، اعمال تغییر بر این شرایط چگونه می‌توانسته و می‌تواند بر معنا و چه بسا معانی نهفته در قالب‌های ملموس و ناملموس مکان تأثیر بگذارد؟ به‌عبارت دیگر، برای حفاظت از کلیت مکان‌های تاریخی، زمینه‌های پویای ارتباط نام با مکان ملموس و شرایط پیرامون، به خوانشی کل‌نگر نیاز دارند. پارادایم شناختی پیشنهادی، می‌تواند ما را از حد مواجهه صرفاً پس‌بینانه تاریخی با گذشته اثر و نام آن، به شناختی هستی‌شناختی از جای نام‌ها فراخواند؛ بنابراین، در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود علاوه بر ثبت، حمایت و حفاظت از اهمیت جای نام‌ها به‌مثابه مکان ناملموس خاطره، به بررسی هر چه بیشتر و شناخت عمیق‌تر زمینه‌های پویای ارتباط جای نام‌ها با مکان و شرایط حفاظتی خاصی که نام‌ها به‌مثابه «مکان» می‌توانسته‌اند از آن برخوردار باشند، پرداخته شود. هم‌چنین، شناسایی و تفسیر نسبت‌های جای نام‌ها در زمینه‌های موردی بر جای مانده کمک‌کننده به حفظ اتصال لایه‌های ارزشی جای نام‌هایی که در معرض خطر تغییرات سریع و سلیقه‌ای مردمی-منطقه‌ای هستند، می‌تواند در ایجاد هشیاری روزافزون همراه با مراتب قانونی و فرهنگ‌سازی عمومی نسبت به اهمیت هستی‌شناختی نام‌ها مفید باشد.

### سپاسگزاری

از استاد گران قدر جناب آقای دکتر مهدی حجت به‌خاطر راهنمایی و زحمات بی‌شائبه ایشان، صمیمانه قدردانی می‌شود.

جدول ۲. مقایسه تحلیلی رویکرد موجود با رویکرد کل نگر پیشنهادی به اهمیت هستی شناختی جای نام‌ها

ردیف	تحلیل نگرش تاریخی به جای نام (نگاه فعلی)	رویکرد کل نگر به جای نام و مکان (نگاه پیشنهادی)	زمینه‌های کلیدی
۱	جای نام به مثابه نشان مکان (وجه ملموس)؛ یعنی ابتدا مکانی هست، سپس نامی به آن اختصاص یافته است؛ و نسبت به آن در درجه دوم اهمیت قرار دارد.	جای نام به مثابه مکان (ناملموس)؛ نام پس از وضع و اختصاص به یک مکان ملموس، خود یک مکان (ناملموس) تلقی می‌شود که حامل لایه‌های معنایی مختلفی است. بنابراین نسبت میان صورت ناملموس مکان (جای نام تاریخی) و صورت ملموس آن (برای مثال، اثر معماری تاریخی) در درجه دوم اهمیت نسبت به وجود آن‌ها (صورت ملموس و ناملموس) است.	صورت ملموس و ناملموس «مکان خاطره»
۲	بررسی آفرینش و اختصاص و تکوین نام می‌تواند بخشی از فرآیند ساخت مکان باشد.	آفرینش و تکوین مکان و نام در دو فرآیند مجزا و درهم تنیده مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ و برای شناخت اهمیت فرهنگی نام‌ها و مکان‌ها توجه به نسبت میان نام و مکان و زمینه‌های آن‌ها در دوره‌های خاص ضروری است.	شرکت پذیری نام در فرآیند ساخت مکان
۳	نام خود یکی از وجوه تاریخی-فرهنگی-عملکردی مکان است؛ بنابراین در صورت نیاز، نام در زبان زاینده یا از گنجینه موجود در آن اقتباس می‌شود؛ اما به مرور زمان با از دست رفتن کاربرد و قلمروهای معنایی‌اش ممکن است از معنای خود تهی شود و «بمیرد» و لذا نام دیگری برای مکان انتخاب شود.	نام یکی از وجوه هستی شناختی مکان است؛ و تناسب و رابطه نام و مکان یکی از وجوه اهمیت فرهنگی مکان است. ممکن است تناسب معنای نام با مکانی خاص در گذر زمان به فراموشی سپرده شود؛ اما فارغ از همراهی با مکان ملموس (یا شیء بیرونی)، نام به وجود آمده هیچ‌گاه از معنای خود تهی نمی‌شود، بلکه ممکن است معانی دیگری به آن افزوده و در درجه اهمیت بیش تری قرار گیرند.	نام و مکان: تحول و تداوم فرم (قالب و کالبد) و معنای نام در گذر زمان
۴	نام فرمی (قالبی) است که به مثابه تصویری منجمد در تاریخی خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ قالبی که به مرور زمان ممکن است از معنای محمول خویش تهی شده باشد. بنابراین فاقد روح معناداری بوده و زنده نیست.	نام یک فرم است و به مثابه توالی تصاویر لحظات زندگی در گذر زمان، حاوی معنای سیال مکان است؛ این قابلیت نام را علاوه بر تحول پذیری فرم، دارای روحی سیال و شکل پذیر نسبت به فعالیت‌های انسانی می‌کند.	نام و معنا: تحول و تداوم در بستر ساختارهای مکان ساز
۵	مکان بدون نام اولیه، به حیات خویش ادامه می‌دهد. یعنی بر حسب عملکردهایی که در گذر زمان می‌گیرد، ممکن است بدون آنکه وجه ملموس مکان تغییری هستی شناختی کند، نام دیگری را بر خود حمل کند.	وجه ملموس نام و مکان ممکن است به طور مجزا از هم به حیات خویش ادامه دهند ولی با از دست رفتن نسبت یافتگی نام و مکان (یعنی با تخریب بنا یا تغییر نام)، تأثیر متقابل ارزشی این دو بر یکدیگر همچنان باقی است و هر یک می‌تواند به طور مجزا به عنوان یکی از لایه‌های اهمیت فرهنگی هر یک از آن‌ها تلقی شود و بر هویت هستی شناختی هم تأثیر بگذارند.	تأثیر هستی شناختی نام و مکان بر یکدیگر
۶	نسبت نام با مکان پویا نیست و تخصیص نام چه به سبب قرابت معنایی-عملکردی، چه تلاش برای ایجاد تصور چنین قرابتی (ادعای بنیان آثار مانند باب عالی و ...)، همواره با تصور ثبات مکان نسبتی طولی دارد. به عبارت دیگر نام قائم به مکان بیرونی است و در صورتی که نسبت میان نام و مکان از دست برود، پروتونا صرفاً وجهی تاریخی-زبانی از مکان ملموس خواهد بود.	نسبت نام با مکان پویا است و با توجه به آنکه نسبت نام و مکان می‌تواند نشان دهنده دلایل تخصیص یک نام به خصوص باشد، در بررسی دلایل تخصیص نام، نام و مکان در ارتباط با زمینه‌های هر یک در جامعه، معماری و زبان پویا هستند. به عبارت دیگر نام مکان قائم به مکان نیست و نسبتی که با مکان دارد می‌تواند از بین برود و نام همچنان به حیات خویش ادامه دهد.	پویایی نسبت نام با مکان





1. Holistic approach
2. Place, locus, location, situation, position (Ba'Albaki, 1995: 1094).
۳. «جا» در واژه پهلوی «gyāg/gyāk» از مصدر سانسکریت «yā/gā» به معنای رفتن، هم‌ریشه با فعل «go» در انگلیسی ریشه دارد. هم‌چنان در اشاره به فعل امری، «جا» در برخی گویش‌های فارسی و در زبان هندی (و فرانسه) باقی مانده است (برهان، ۱۳۴۲، ج ۲: ۵۵۶؛ MacKenzie, 1971: 38). بنابراین از دو واژه «مکان» و «جا» به لحاظ ریشه‌شناختی، تقریباً معنای مشابهی برداشت می‌شود. با این حال چنین به نظر می‌رسد که رفته رفته وجه «وجودی» واژه «جا» در زبان فارسی کم‌رنگ شده و اکنون صرفاً به موضع و موقعیتی در عالم واقع اطلاق می‌شود.
4. Toponym, place-name
۵. معادل «توپونیم»، واژه‌ای با ریشه یونانی مشتق از دو بخش «top-/topo(s)» به معنای «مکان، جای» و «onyma, onoma» به معنای «نام»، در لغت به معنای نام‌های جغرافیایی است (Merriam-Webster inc).
6. Memory
7. Lieux de mémoire
8. «Toute unité significative, d'ordre matériel ou idéal, dont la volonté des hommes ou le travail du temps a fait un élément symbolique du patrimoine mémoriel d'une quelconque communauté» (Nora, 1984: 1004).
۹. به طور کلی، منابع موجود در زمینه نام‌شناسی با رویکردهای تاریخی-جغرافیایی (جای نام‌شناسی علمی و غیرعلمی)، زبان‌شناختی-فلسفی (اشتقاق، اصطلاح‌شناسی) یا دینی-هستی‌شناختی (علم‌الاسماء و هرمنوتیک) است (ناتل خانلری، ۱۳۶۵؛ Bandmann, 2003).
۱۰. برای مثال، فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور، آثار ملی اصفهان، اثر و گنجینه آثار تاریخی اصفهان.
۱۱. یکی از دانش‌های پرکاربرد زمینه‌های تاریخی به‌ویژه جغرافیای تاریخی که از منظر زبان‌شناسی تاریخی، به تحلیل تکوین زبان‌شناختی و طبقه‌بندی نام مکان‌ها و اثبات معانی آنها می‌پردازد (رفاهی علمداری، ۱۳۹۳: ۱۵؛ Encyclopaedia Britannica, 2017).
۱۲. در این زمینه، ابن عربی، ابن خلدون، کندی و بسیاری از فیلسوفان و متکلمان اسلامی، تألیفات متعددی داشته‌اند. برای مثال، ابن عربی، اسما و صفات الهی را محل ظهور ذات یا هویت غیبی می‌دانسته و بر این باور بوده که با تغییر حروف نام‌ها، امکان دخل و تصرف در طبیعت وجود دارد یا «حروف، اعضای جسم لفظی نام‌ها هستند» (اذکائی، ۱۳۹۲، ج ۲۰: ۳۶۵ و ۳۶۹).
13. Form
14. Places of cultural significance
۱۵. از جمله ارتباط با «نام افراد، مکان‌های دیگر، فرهنگ‌های بومی/محلی، حوادث رخ داده در محل، توصیفی، اقلیمی، پوشش گیاهی و جانوری» (باستانی راد و مردوخ، ۱۳۹۲: ۲۷ و ۲۸).
۱۶. قبرس (به ترکی Kypros و به یونانی Kibris)؛ استانبول (Istanbul)، کنستانتینوپل / قسطنطنیه (Kostantiniyye / Constantinople)؛ الف شهر کنستانتین / قسطنطنیه (Constantine polis)، (ب) به‌سوی شهر (برگرفته از اصطلاح is-teen-poli)، اسلامبول (Islambul)؛ در اصطلاح ترکی یعنی مملو از اسلام یا «اسلام‌جویی»، در معنای پایتخت اسلام در دوران حکومت عثمانی (Avcioğlu, 2008: 192; Sakaoglu, 1994).
۱۷. در این خصوص، امروزه اگر چه در بسیاری از شهرهای بزرگ، برای تسهیل نام‌گذاری خیابان‌ها و به‌ویژه کوچه‌های جدید، از شماره و کدهای سری به‌عنوان نام یا پلاک آنها انتخاب می‌شود. هنوز در خاطره بسیاری از ما، درج شماره پلاک «۱۲+۱» بر خانه‌های مسکونی به‌جای «۱۳» به جای مانده و شاید حتی هنوز در برخی مناطق مرسوم باشد. به‌عبارتی در «نشان‌گذاری»، به‌شکلی از معنای ناخوشایندی که این شماره در باور این مردم داشته یعنی از «نحس بودن شماره ۱۳» پرهیز می‌کرده‌اند.
18. Edward Relph
۱۹. مبتنی بر آن که بدون مکان، نه زبان، نه عمل و نه هستی به‌شکلی که در آگاهی ما قابل ادراک باشند، هیچ‌یک وجود نداشت؛ چرا که مکان و انسان در هم تنیده‌اند (پرتوی همان: ۱۲۶ به نقل از Grange, 2000: ۷۱).
20. Association
۲۱. صورت، قالب
22. Square
۲۳. چندی پیش در کنار سی‌وسه‌پل خانمی اصفهانی پس از شمارش ردیف قوس‌های پایینی پل به همراهش می‌گفت «چه جالب، دقیقاً سی‌وسه تاست». این گفته می‌تواند مصداقی از این مسئله باشد که در کاربرد زبان روزمره، معنای ادبی نام‌ها در قیاس با اشاره‌کنندگی آن‌ها به یک مکان خاص در درجه اهمیت کمتری قرار دارد.
24. Type

## منابع و مآخذ

- ابویی، رضا؛ یادگاری، زهره و افاقت، شهاب. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی میراث زبانی از طریق بازشناسی جایگاه و عملکرد آن در میراث فرهنگی. *نشریه علمی-پژوهشی مرمت و معماری ایران*، ۱۱(۶)، ۴۰-۲۹.
- احدیان، محمدمهدی و بختیاری، رحمان. (۱۳۸۹). درآمدی بر جای‌نام‌شناسی ایران. *جستارهای ادبی*، ۴۲(۲)، ۱۹۹-۱۸۱.
- اذکائی، پرویز. (۱۳۹۲). *حروف اسرار. در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. جلد ۲۰، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ۳۷۴-۳۵۹. (در صفحه آرای ۴ مورد تای گرد تصحیح شود)
- افنان، سهیل محسن. (۱۹۸۶). *واژه‌نامه فلسفی*. چاپ اول، بیروت: دارالمشرق (دارالمکتبه الکاتولیکیه).
- اولیاء، محمدرضا. (۱۳۸۱). *شناخت اصطلاحات معماری سنتی ایران مطالعه موردی: یزد برای تحقیق، تعلیم و تربیت معماری*. رساله دکتری معماری. تهران، دانشگاه تهران.
- باستانی راد، حسن و مردوخی، دل آرا. (۱۳۹۲). گونه‌شناسی جای‌نام‌ها در جغرافیای تاریخی ایران. *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۱۲(۷)، ۵۰-۲۱.
- برهان، محمدحسین بن خلف. (۱۳۴۲). *برهان قاطع*. تصحیح محمد معین، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- بیات، محمد. (۱۳۷۰). *فرهنگستان و تغییر اسامی جغرافیایی در ایران*. نشر دانش، ۶(۶۳)، ۲۴-۱۳.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳۶۷). *فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور*. چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهشی اسلامی آستان قدس رضوی.
- خیراندیش، عبدالرسول. (۱۳۸۲). *نامهای جغرافیایی به‌مثابه بخشی از میراث فرهنگی*. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۷۴(۷)، ۴-۳.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- ذکاء، یحیی. (۱۳۵۶). *کاروند کسروی*. چاپ دوم، تهران: فرانکلین.
- رفاهی علمداری، فیروز. (۱۳۹۳). *مبانی توپونیمی و نگاهی به توپونیم‌های ایران*. چاپ اول، تهران: سازمان نقشه‌برداری کشور.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). *آثار ملی اصفهان*. چاپ اول، تهران: انجمن آثار ملی.
- شاملو، احمد. (۱۳۸۹). *نام‌ها و نشانه‌ها در دستور زبان فارسی*. چاپ سوم، تهران: مروارید.
- عمید، حسن. (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*. تصحیح عزیزالله علیزاده، چاپ اول، تهران: راه رشد.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران. (۱۳۶۳). *دستور زبان فارسی پنج استاد*. چاپ سوم، تهران: مرکزی.
- معین، محمد. (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی معین*. چاپ چهارم، تهران: کتاب راه نو.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۵). *تاریخ زبان فارسی*. چاپ دوم، تهران: نو.
- هنرفر، لطف‌الله. (۱۳۵۰). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان: آثار باستانی و الواح و کتیبه‌های تاریخی*. چاپ اول، اصفهان: کتاب‌فروشی ثقفی.
- Arefi, Mahyar. (1999). Non-place and placelessness as narratives of loss: Rethinking the notion of place. *Journal of Urban Design*, 4(2), 179-193.
- Avcioglu, Nebahat. (2008). Istanbul: The Palimpsest City in Search of Its Architext. *RES: Anthropology and Aesthetics*, 53(1), 190-210.
- Ba'Albaki, R. (1995). *Al-Mawrid: Arabic-English*. Beirut: Dar El-Ilm.
- Brozović, D. (2008). Place names as intangible cultural heritage: the example of Croatia. *19th Session of the East Central and South-East Europe Division of the United Nations Group of Experts on Geographical Names (UNGEGN)*. Zagreb, Croatia: Institute of Croatian Language and Linguistics.
- Earl, John. & Saint, Andrew. (2015). *Building Conservation Philosophy*. London & New York:



- Routledge.
- Encyclopædia Britannica Inc. (2017). **Toponymy**. <https://www.britannica.com/science/toponymy> (Retrieved 22 January. 2018).
  - Feynman, Richard. (1973). **Names Don't Constitute Knowledge**. <https://youtu.be/BY6VntTmtIo>. (Retrieved 22 January. 2018).
  - Halbwachs, Maurice. (1997). **La mémoire collective**. Paris: Albin Michel.
  - Helleland, B. (2011). Cultural aspects of place-names. In **Geospatial Information Management (GGIM)**. Seoul: COEX Convention Center.
  - ICOMOS, Australia. (2000). **The Burra Charter: The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance 1999: with associated Guidelines and Code on the Ethics of Co-existence**. Australia: ICOMOS Inc.
  - Kadmon, N. (2004). Toponymy and geopolitics: The political use and misuse of geographical names. **The Cartographic Journal**, 41(2), 85-87.
  - Larice, Michael. & Macdonald, Elizabeth. (2013). **The Urban Design Reader**. New York & London: Routledge.
  - Lenzerini, Federico. (2011). Intangible cultural heritage: The living culture of peoples. **European Journal of International Law**, 22(1), 101-120.
  - Merriam-Webster Inc. (n.d.). **Toponymy**. <https://www.merriam-webster.com/dictionary/toponym> (Retrieved 22 January. 2018).
  - Nasr, S.H. & Jahanbegloo, R. (2010). **In Search of the Sacred: A Conversation with Seyyed Hossein Nasr on His Life and Thought**. California: Praeger (ABC-CLIO).
  - Nora, Pierre. (1984). Entre mémoire et histoire. In **Les lieux de mémoire**. Paris: Gallimard. 23-43.
  - Norberg-Schulz, Christian. (1980). **Genius loci: Towards a Phenomenology of Architecture**. New York: Rizzoli.
  - Sakaoğlu, Necdet. (1994). İstanbul'un adları. In **Dünden Bugüne İstanbul Ansiklopedisi**. Tarih Vakfı Ortak Yayını (Ed.). İstanbul: Türkiye Kültür Bakanlığı. 30-78.
  - Seamon, David. (1982). The phenomenological contribution to environmental psychology. **Journal of Environmental Psychology**, 2(2), 119-140.
  - Seamon, David. & Sowers, Jacob. (2008). Place and placelessness (1976): Edward relph. In **Key Texts in Human Geography**. Hubbard, P.; Kitchen, R. & Vallentine, G. (Eds.). UK: Sage. 45-52.
  - Truc, G r me. (2011). Memory of places and places of memory: for a Halbwachsian socio-ethnography of collective memory. **International Social Science Journal**, 62(203-204), 147-159.
  - UNESCO. (2003). **Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage**. <http://portal.unesco.org/la/convention.asp?language=E&KO=17116>. (Retrieved 2 September. 2017).



Received: 2017/07/21

Accepted: 2018/10/21

## The Place-Name as an Intangible Place of Memory (A Holistic Approach in Reading the Place-Names through a Comparative-Analytical Study on the Character of Name and Place)

Mina Radahmadi\* Farhang Mozaffar\*\*

### Abstract

Understanding architectural heritage and their various aspects has always been a subject of focus for the international conservation organizations. During the recent decades, eventhough the place-names are part of the live history as well as cultural heritage, they have still constantly been facing hasty changes. As such, in the conservation literature, most studies have skipped addressing this phenomenon other than through a historic-geographical approach; thus, neglecting the specific character of place-names in the context of Architecture and also have not analyzed them with a conservational approach apt for revisiting their cultural significance and dynamism. Since any changes regarding the places' names is a form of change in the totality of the object named, this study attempts to firstly discuss the propriety and necessity of regarding place-names through the perspective of Conservation, and eventually provide a theoretical approach to understand them in the light of a new holistic approach in which a place-name can be depicted with a spatial aspect. With this objective, we will evaluate the definitions of a "name" and a "place" and an architectural edifice in its place, where the following questions of "what is the resemblance between the character of a name and that of a place" and "how these characters relate to the memory of place" could be addressed.

In this regard, by exploring the toponymical resources and those references related to the phenomenology of place, along with few place-name examples, the character of name and place will be represented in relation to life, events, and the associated meanings to them. At last, the results will be demonstrated in a comparative format between the current historical and the proposed holistic approach, within a few major principles as a new way to re-reading of the place-names. This comparative paradigm, that is, the explanation of a new conservational approach to the place-names, can be viewed as providing a theoretical context to view the names of historic sites and architectural edifices as intangible forms for the "places of cultural significance" and not just as historical-linguistic aspects to name a location. Moreover, these deductions also provide a concrete foundation as to why a place-name must be seen in the light of contemporary conservation discourses, seen to be also focusing on the name character as an intangible form of place, and on the dynamics of names' association to the objects of architecture over time.

**Keywords:** Place-name, Place of Memory, Historic Architectural Edifices, Conservation

---

\* PhD candidate in Architectural Conservation at the Art University of Isfahan, Faculty of Conservation, Isfahan, IRAN

\*\* Associate Professor, Department of Architecture, University of Science & Technology, Tehran, Iran.